

سیاست نوشتار

پژوهشی در شعر و داستان معاصر

نویسنده

کاوه‌ان تلطف

مترجم

مهرک کمالی

www.ketab.ir

این کتاب ترجمه‌ای است از
 Kamran Talattof,
*The Politics of Writing in Iran:
 A History of Modern Persian Literature,*
 (Syracuse, N.Y.: Syracuse University Press, 2000.)

سرشناسه	: تالطف، کامران
عنوان و نام پدیدآور	: سیاست نوشتار (پژوهشی در شعر و داستان معاصر ایران) / نویسنده کامران تالطف؛ مترجم مهرک کمالی.
مشخصات نشر	: تهران : نامک، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۷ ص.
شابک	: 978-600-6721-21-7
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.	
یادداشت	: عنوان اصلی :
	The politics of writing in Iran: a history of modern Persian literature.
موضوع	: ادبیات فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد.
موضوع	: سیاست و ادبیات - ایران - تاریخ - قرن ۱۴.
موضوع	: ادبیات - جنبه‌های اجتماعی - ایران - تاریخ - قرن ۱۴.
موضوع	: جنبش‌های ادبی - ایران.
شناسه افزوده	: کمالی، مهرک، مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ س ۹ ت ۸ / PIR ۳۵۳۰
رده‌بندی دیویی	: ۸۰۶۲ / ۹۰۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۷۳۰۱۱



تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶

سیاست فوشتار

پژوهشی در شعر و داستان معاصر

دکتر کامران ناطق

ترجمه مهرک کبالی

طرح جلد علی بخشی

حروفچینی و صفحه‌آرایی حروفچینی هما (امید سینک‌اظمی)

چاپ اول ۱۳۹۴

شمارگان ۱۰۰۰

لینوگرافی ترنج رایانه

قیمت ۱۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۲۱-۷ ISBN: 978-600-6721-21-7

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت

(چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

دفتر فروش: ۶۶۴۷۷۴۰۵-۶

فهرست مطالب

۹ پیشگفتار

فصل ۱: جنبش ادبی ایزودیک: الگویی برای درک تاریخ ادبی ۱۳

فصل ۲: فارسی‌گرایی: ایدئولوژی انقلاب ادبی اوایل قرن بیستم ۴۳

فصل ۳: ادبیات انقلابی، جنبش ادبیات متعهد قبل از انقلاب ۱۳۵۷ ۱۳۵

فصل ۴: انقلاب و ادبیات: ظهور جنبش ادبی اسلامی پس از انقلاب ۱۳۵۷ ۲۰۵

فصل ۵: گفتمان فمینیستی در ادبیات پس از انقلاب ۲۴۵

فصل ۶: نتیجه‌گیری: کاربرد گرایش ایزودیک ادبی در ادبیات ترکی و عربی ۳۰۵

یادداشت مترجم

با توجه به تاریخ نشر کتاب می‌توان گفت که مثال‌های ادبی کتاب همگی از سال‌های پیش از ۱۳۷۸ میلادی انتخاب شده است. چون هدف اصلی کتاب تبیین الگویی تحلیلی و تطبیقی و مباحث نظری در خصوص مقوله‌های تاریخ ادبیات یا تعاریف ایدئولوژیک بوده است از پرداختن به تمامی آثار چاپ شده در سال‌های مورد بحث نیز خودداری شده و به آوردن شواهد مثال اکتفا کرده است.

از مسعود سلطانی سپاسگزاری می‌کنم که در برگرداندن فصل پنجم کتاب به فارسی، مدیون تلاش‌های او هستم. همچنین از دکتر کامران تلمطف برای بازخوانی متن فارسی کتاب سپاسگزارم.

مترجم

پیشگفتار

در این کتاب، الگوی برای درک تغییرات ادبی در ایران و درکی از شکل‌گیری تاریخ ادبیات نوین فارسی ارائه کرده‌ام. در توضیح این الگوی تحلیلی و در نگارش این تاریخچه از بررسی عناصری از قلم جنبش ادبی، خلاقیت ادبی، ایدئولوژی، و استعاره‌هایی که نویسندگان معاصر ایرانی برای بیان علائق ایدئولوژیک خود به کار برده‌اند بهره برده و بویژه در روابط متقابل این عناصر با یکدیگر تأمل کرده‌ام. کوشیده‌ام از دیدگاه تاریخ‌نگاری نو، آثار ادبی دوران معاصر و چگونگی خلق و کاربرد متون ادبی را تحلیل کنم و از این رهگذر و، کنار هم قرار دادن شیوه‌های متداول ساختارگرایی به دیدگاه جدیدی از نظریه ادبی دست یابم. به نظر من ویراساس یافته‌های این پژوهش، تاریخ ادبیات فارسی نوین، نه یک زنجیره به هم پیوسته و نه یک کل منسجم، بلکه مجموعه‌ای از جنبش‌های ادبی دوره‌ای یا فصلی (ایزودیک یا ایترودی) جدا از هم است که بر مبنای تغییر در ایدئولوژی ارائه شده (یا ایدئولوژیک در عرضه داشت هنری) در دوران‌های مختلف از یکدیگر جدا شده و شکل گرفته‌اند. ادبیات فارسی در پایان سده سیزدهم و ابتدای سده چهاردهم شمسی (یعنی آخرین دهه‌های قرن نوزدهم و نخستین دهه‌های قرن بیستم میلادی) با تمایل سکولار، با رمزگذاری دوباره عناصر زیبایی‌شناسانه گذشته و براساس مفاهیم جدیدی درباره

هویت، تاریخ، و مدرنیته، کار خود را آغاز کرد. از آن زمان - و تا حدودی بر مبنای مفاهیم برآمده از پارادایم‌های غربی - ادبیات نوین فارسی به تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه از خلال بازتابی تمثیلی و استعاری پاسخ داده است و همواره در ایجاد و یا انکار ارزش‌های سیاسی و فرهنگی دخالت داشته است. در پایان کتاب برای سنجش درستی این الگوی تحلیلی، نگاهی دارم به ادبیات نوین عربی و ترکی. شباهت‌های ایدئولوژی ارائه‌شده، یا آن انگیزه‌های فلسفی - سیاسی که نویسنده را به نوعی خلاقیت قابل پیش‌بینی می‌کشاند، در این سه ادبیات شگفت‌انگیز است. در ادبیات عربی و ترکی نیز می‌توان همان تحولات و گرایش‌های ادبی دورانی یا ایزودی را مشاهده کرد.

بنابراین من در این کتاب، چند هدف را دنبال می‌کنم: ۱) پیشنهاد الگوی تحلیلی برای درک تغییرات ادبی (برای خاورمیانه یا دست کم در مورد ایران) به وسیله تعریف و مشخص کردن حدود جنبش ادبی، نظریه پردازی، و استعاره؛ ۲) روشن کردن رابطه میان ادبیات و ایدئولوژی ارائه‌شده؛ ۳) تحلیل موضوع‌ها و ساختار نمادین ادبیات فارسی و تأثیر سازنده آن‌ها بر گرایش‌ها و رویدادهای اجتماعی؛ ۴) مشخص کردن تفاوت‌های ایدئولوژیک میان آثار ادبی قبل و بعد از انقلاب بویژه در حوزه ادبیات زنان؛ و سرانجام ۵) جست‌وجوی چگونگی پیوند میان تغییرات ادبی و جنبش‌های اجتماعی. در این راستا، امیدوارم توانسته باشم تعاریفی از «ایدئولوژی» و «گفتمان» به دست دهم که با تجربه‌های خاورمیانه نیز تطبیق داشته باشند.

من با تحلیل آثار برگزیده قبل و بعد از انقلاب، کوشیده‌ام به این اهداف و نتایج دست یابم. این آثار، بر مبنای جنسیت نویسنده، تاریخ انتشار، و اقبال عمومی به آن‌ها که در دفعات چاپ و انتشار منعکس است، انتخاب شده است. ضمن اشاره به محدودیت‌های روش فرمالیستی، که بر نقد ادبیات فارسی حاکم بوده است، امیدوارم این تحلیل نظری از تکوین تاریخ ادبیات معاصر روشن کند که عواملی مانند مبارزه طبقاتی، سیاست‌های حکومت، و شرایط اقتصادی به تنهایی قادر به توصیف پیچیدگی

تجربه تاریخی ایرانیان در دوران معاصر نیست. هر تاریخ‌نگار جدی تحولات جامعه ایران ناگزیر است که اهمیت فعالیت ادبی در این کشور (و در خاورمیانه) را نیز در نظر بگیرد. اما باید این را اضافه کنم که چنین تحلیلی به معنای تأیید تمامی روش‌ها و شیوه‌های آفرینش ادبی و دروغ‌نامه‌های آنان در گذشته و نیز حتی به معنای رد لزوم نقدهای ساختارگرایانه و فرمالیستی نیست. برای درک آنچه اتفاق افتاده است بایستی بپذیریم که ادبیات نوین در این منطقه همیشه دغدغه‌های ایدئولوژیک داشته و تنها همین واقعیت است که باعث می‌شود، تحلیل‌های ادبی جدی به مشکلات تعریف ایدئولوژی نیز بپردازند. از طرف دیگر چنانچه تنها به روش‌های فرمالیستی دلخوش بمانیم هیچ گاه نخواهیم توانست به نقدی سازنده از تاریخ ادبیات دست یابیم.

اما همه این‌ها بدین معنا نیست که هیچ گاه هیچ گونه اثر غیر ایدئولوژیک خلق نشده است. هیچ کس نیز منکر لذت موجود در خواندن آثار ادبی غیر ایدئولوژیک و غیر قابل پیش‌بینی نیست. بحث بر سر این است که خلق این گونه آثار هیچ گاه به ایجاد یک جنبش نیانجامید و در هیچ دوره‌ای هم هژمونی ادبی را از آن خود نکرد. سرانجام این که من در تمامی این نوشته تحقیقی از آثار فرمالیست‌ها نیز بسیار استفاده کرده‌ام. درواقع این پژوهش مدیون کارهای بسیاری از پیشینیان، استادان، و همکاران من در ایران و خارج است.

دکتر کامران خلطف

دانشگاه آریزونا

آریزونا - توسان